یاء

جناب حاجی میرزا محمّد افشار علیه بهاء الله

فی ذی ‌حجّة سنه ١٣٠٢

بسم ربّنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

فی ‌الحقیقه امروز ذکر و ثنا اهل وفا را ﻻیق و سزا که ضوضاء غافلین و نعاق ناعقین و شبهات مشرکین و اشارات معرضین ایشان را از نور مبین منع ننمود مع آنکه اشراقات انوار آفتاب ظهور عالم را احاطه نموده و آیاتش مدن و دیار را مزیّن فرموده بر هر عَلَمی عَلم ظهور مرتفع و از هر جهتی ندای مکلّم طور ظاهر مجدّد بعضی از غافلین بقدم اوّل راجع سبحان ‌الله اصبع قدرت حجبات را خرق فرمود و سبحات را از هم درید مع ‌ذلک ناعقین مجدّد بر آنند ناس بیچاره را بحجبات اغلظ از حجبات قبل و سبحات اعظم از سبحات قوم مبتلا نمایند عبدۀ اوهامند و خود را از اهل توحید میشمرند عاکف اصنامند و خود را از اهل عرفان میدانند انسان متحیّر چه که کل بچشم خود مشاهده نموده‌اند و بگوش خود اصغا کرده‌اند که آنچه را حزب شیعه از قبل بآن ناطق و مشغول وهم صرف بوده و ظنّ بحت در قرون و اعصار بر منابر بسب و لعن یکدیگر ناطق بشأنیکه عروق اعناق بمثابۀ سنان ظاهر و چون فجر ارادۀ مالک احدیّه دمید و آفتاب حقیقت اشراق فرمود کل از عالم و جاهل در سنۀ اولی بر مولی الوری قیام نمودند بشأنیکه اهل جنّت علیا نوحه نمود بالاخره آن گروه بی‌انصاف فتوی دادند و بر سفک دم مطهّرش قیام نمودند تا آنکه واقع شد آنچه که عین حقیقت گریست این نبود مگر ثمرات اعمال ناﻻیقه و افعال کذبه حال باید حزب بیان یعنی نفوسیکه اعراض نموده‌اند بانصاف و عدل در عاقبت حزبیکه خود را اعلی الامم میدانستند تفکّر نمایند که آن نفوس چه ثمر اخذ نمودند که مجدّد این نفوس بر قدم آن نفوس سالک اعاذنا الله و ایّاکم من شرّ هؤلآء فی ‌الحقیقه آن نفوس غافلند چه که از اصل امر مطّلع نبوده‌اند و از نفوسیکه آگاه بوده‌اند سؤال نمینمایند ینبغی ان اذکر ما انزله الرّحمن فی الفرقان قوله تعالی ذرهم فی خوضهم یلعبون و الصّلوة و السّلام و التّکبیر و الثّنآء علی الّذین شربوا رحیق اﻻستقامة علی شأن نبذوا العالم عن ورآئهم قائمین علی امر الله ربّ العالمین و الحمد له اذ هو مقصود العارفین و محبوب المخلصین

 سبحانک یا من باسمک ظهرت الاسرار و جرت الانهار و نصبت رایات التّوحید و ارتفعت اعلام التّجرید اسئلک بالکلمة الّتی بها خلقت الکائنات و ذرئت الموجودات بان تعرّف عبادک ما ینفعهم فیکلّ عالم من عوالمک و علّمهم ما غفلوا عنک فی ایّامک اشهد یا الهی بانّک اوضحت السّبیل و ابرزت الدّلیل و انزلت الآیات و اظهرت البیّنات طوبی لنفس وجدت عرف آیاتک و اقبلت الیک و سرعت الی افقک الاعلی المقام الّذی ﻻ یُذکر فیه الّا نفسک یا مولی الوری و مالک الآخرة و الاولی ای ربّ اسئلک بامواج بحر رحمتک و اشراقات انوار شمس فضلک بان تؤیّد عبادک الغفلآء علی الرّجوع الی ساحة عزّک و الورود فی بساط عظمتک ای ربّ ﻻ تخیّبهم بجودک و کرمک و ﻻ تمنعهم عن سمآء عطآئک ثمّ اسئلک یا الهی بان تؤیّد حزبک الّذین ما نقضوا عهدک و میثاقک و قاموا علی ذکرک و ثنآئک و خدمة امرک علی اظهار ما عندک و انزلته فی کتابک لعلّ بذلک ینتبهنّ الرّاقدون و یرجعون الیک و یتمسّکون بحبل جودک و یتشبّثون باذیال ردآء عفوک انّک انت التّوّاب الغفور الکریم

 نامۀ آنجناب مدّتی قبل باین خادم فانی رسید گواهی بود آگاه و شاهدی بود صادق بر توجّه و اقبال آنجناب بافق اعلی حبّذا عرف محبّت محبوب عالمیان از او متضوّع از حق جلّ جلاله این خادم فانی سائل و آمل که ﻻ زال این عرف متضوّع باشد و این نسیم در مرور و بعد از قرائت و اطّلاع قصد مقام اعلی نموده تلقاء وجه بعد از اذن عرض شد و بشرف اصغا فائز گشت قوله جلّ جلاله

بسمی المشرق من افق ملکوت البرهان

یا ایّها المقبل الی الافق الاعلی عبد حاضر بکتابت حاضر لدی الوجه قرائت نمود هر کلمه‌ئی از کلمات آن مدل و مشعر بود بر اقبال و توجّه از حق میطلبیم آنجناب را مؤیّد فرماید بشأنیکه ناس را از اوهام ناعقین محفوظ دارد لعمری مجدّد بتعمیر مدن و دیار ظنون و اوهام مشغولند منقطعاً عن العالم بر تربیت امم قیام نمائید از این کلمه تعجّب منما لیس هذا علی الله بعزیز همّت را بزرگ نما و بخدمت مشغول باش امروز باب اعظم مفتوح و بحر ظهور موّاج و مکلّم ناطق در پستی نفوس معرضین تفکّر نمائید حق برایات آیات و جنود وحی و الهام از افق سماء مشیّت ظاهر و باهر و آشکار و معادل جمیع کتب سماوی بل ازید از قلم اعلی نازل مع ‌ذلک باوهامات قبل مشغول و بکلمات مجمع امّ القری ناطق و ذاکر اگر این امر اعظم و نبأ عظیم را انکار نمایند بچه حبل متمسّک و بچه ذیل متشبّث میشوند اینمظلوم در ایّامیکه جمیع افئده و قلوب مضطرب و فرائص اهل بیان از سطوت امرا و ضوضاء علما مرتعد بر امر قیام نمود قیامیکه کل بر آن شاهد و گواهند و باعلی النّدا کل را بافق اعلی دعوت نمود مع ‌ذلک از نفوس معرضه وارد شد آنچه که اهل مدائن معانی و بیان گریست سوف یرون جزآء ما عملوا انّ ربّک هو العلیم الخبیر در هر حال از مطلع کرم و مخزن جود و مشرق رحمت الهی طلب نمائید عباد غافل را بر رجوع تأیید فرماید که شاید بر آنچه از ایشان فوت شده قیام نمایند انّ ربّک هو الغفور الرّحیم افرح بذکری ایّاک و اقبالی الیک من شطر سجنی البعید انّا انزلنا لک من قبل و فیهذا الحین ما یقرّبک الی الله ربّ العالمین

 قل یا ملأ البیان خافوا الله و ﻻ تقولوا ما ﻻ قاله الاوّلون ارحموا علی انفسکم و انفس العباد تالله قد ظهر من کان مکنون فی ازل الآزال و انزل ما کان مخزوناً فی علم الله العلیم الحکیم قد ظهرت رایات البرهان و خضعت لها آیات اﻻمکان یشهد بذلک من ینطق انّه ﻻ اله الّا انا المظلوم الغریب خذ کأس العرفان باسم ربّک الرّحمن رغماً لاهل البیان الّذین نقضوا میثاق الله و عهده و قاموا علی اﻻعراض بظلم مبین قد کنت مذکوراً لدی الوجه نسئل الله ان یؤیّدک علی حفظ هذا المقام العزیز الرّفیع کبّر من قبلی علی وجوه الّذین نسبهم الله الیک و بشّرهم بذکری ایّاهم فی سجنی الاعظم و ذکّرهم بما نزل من ملکوت بیانی البدیع البهآء المشرق من افق سمآء فضلی علیک و علی الّذین شربوا رحیق اﻻستقامة من هذه الکأس الّتی خضعت لها البحار و تمسّکوا بهذا الحبل الّذی تمسّک به المقرّبون الحمد لله ربّ ما کان و ما یکون انتهی

 اینعبد بلکه اشیا کل متحیّر و مبهوت چه که مشاهده میشود اسبابیکه یوم قبل فسادش ظاهر حال مجدّد بهمان اسباب متمسّک و متشبّثند یا لیت القوم یعلمون مجمعی در منشاد بمثابۀ مجمع امّ القری مجتمع باعتراضات آنمجمع بل اعظم و اکبر قیام نموده‌‌اند نوشته‌ئی باسم چهار نفس نوشته و بخاتمها مختوم نموده ارسال داشته‌اند سبحان ‌الله آیا آن نفوس لوح رئیس را ندیده‌اند و یا الواح ملوک رانخوانده‌اند و یا کتاب اقدس را نشنیده‌اند امورات بعد کل از قبل از قلم اعلی بکمال تصریح نازل بعد از ورود مکتوب اینعبد مدّتی متحیّر از یکجهت مشاهده شد این مکتوب قابل عرض نیست و از جهت دیگر ملاحظه شد شاید در ستر آن تقصیر واقع شود لذا متوکّلاً علی الله توجّه بساحت امنع اقدس نموده و بعد از اذن تمام آن عرض شد جواب از سماء مشیّت الهی نازل امید هست آنجناب بملاحظۀ آن فائز شوند صد هزار افسوس که این حزب هم ادراک ننمودند آنچه را که ﻻیق و سزاوار یوم الله است و اینکه ذکر منتسبین را فرموده بودند هر یک در ساحت امنع اقدس مذکور و بفیوضات فیّاض حقیقی فائز بعد از عرض اینفقره اینکلمات عالیات از ملکوت بیان رحمن نازل قوله تعالی

بسمی المشفق الکریم

یا ایّها النّاظر الی الافق الاعلی انّا سمعنا ذکرک و ثنآئک و رأینا اقبالک و توجّهک الی الله مولی الانام طوبی لاذن فازت باصغآء النّدآء و لعین رأت الافق الاعلی و لید اخذت ما نزّل من سمآء عنایة ربّک مالک الرّقاب قد شهدت کتب الله لهذا الکتاب الّذی نطق امام وجه العالم انّه ﻻ اله الّا هو العزیز الوهّاب قد خسر الّذین نبذوا کتاب الله عن ورآئهم متمسّکین بالظّنون و الاوهام قل تالله قد انجذبت افئدة المخلصین من الآیات المنزلة من سمآء الفضل اتّقوا الله یا ملأ البیان و ﻻ تکونوا من الّذین کفروا اذ اتی الرّحمن بقدرة و سلطان قد ظهر کلّ ما سمعتموه من افق ارادتی و اشرق نیّر البرهان من هذا المقام الّذی جعله الله مطاف الملأ الاعلی و الّذین طافوا العرش فی العشیّ و اﻻشراق قل ایّاکم ان تمنعکم شبهات القوم عن الحقّ او تحجبکم اشارات الّذین غفلوا عن الامر بما اتّبعوا کلّ مشرک مرتاب کم من عالم منع عن کوثر الحیوان و کم من جاهل سمع و سرع و قال لک الحمد یا منزل الآیات کم من عبد اعرض عن الوجه و کم من امة سمعت و اجابت ربّها المهیمن علی من فی الارضین و السّموات انّ الفضل فی یمینه و العدل فی قبضته یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو الآمر الّذی بامره اشرق نیّر القوّة من افق اﻻقتدار کذلک جری من قلم الرّحمن مآء الحیوان طوبی لمن اخذ و شرب و ویل لکلّ ملحد مکّار الّذین نقضوا عهد الله و میثاقه و کفروا بالّذی آمنوا به اﻻ انّهم من اهل الضّلال

 قد حضر لدی المظلوم الاسمآء الّذین نسبهم الله الیک و انزلنا لکلّ واحد منهم ما یجد منه المقربّون عرف عنایة ربّک مالک اﻻیجاد ذکّرهم من قبلی و بشّرهم بما نزل لهم ما ﻻ یفنی بدوام اسمآئی الحسنی یشهد بذلک من عنده علم الکتاب انّا نوصیهم باﻻستقامة الکبری و بما ینبغی لایّام ربّهم مالک المآب البهآء علیک و علیهم و علی الّذین کسروا اصنام الاوهام بقدرة من لدی الله مُظهر البیّنات انتهی

 له الحمد و المنّة و له الفضل و العنایة فضله اظهر من الشّمس فی وسط السّمآء فضلش ظاهر و عنایتش باهر بشأنیکه احتیاج بعرض اینفانی نبوده و نیست ایکاش عباد غافل ببصر انصاف و اذن عدل در آنچه نازل شده و ظاهر گشته مشاهده مینمودند و تفکّر میکردند اینست مقام تفکّریکه فرموده‌اند یک ساعت آن بهتر از عبادت هفتاد سنه است

 انشآء الله آنجناب بهمّت تمام بر امر مالک انام قیام نمایند که شاید مثل قبل بمرض کوری و کری مبتلا نشوند و از بئر اوهام و ظنون محفوظ مانند بیش از این زحمت نمیدهم و خدمت هر یک از منتسبین ذکر تکبیر و سلام موقوف بآنجنابست التّکبیر و السّلام و البهآء علی جنابکم و علی الّذین ما منعتهم شبهات القوم عن الله ربّ العالمین و الحمد له اذ هو مقصود العارفین

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ مارس ۲۰۲۵، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر